

کیهان، سیستمی 9 بعدی

احمد شماع زاده

نکته: کسانی که مایلند این پژوهش را به دوستان انگلیسی زبان خود معرفی کنند، میتوانند از ترجمه مختصر آن در لینک زیر بهره برداری کنند:

https://www.academia.edu/23710171/The_Universe_a_Nine_Dimensions_System

در گفتار سازمان کیهان در قرآن، دانستیم که کیهان سه بخش دارد، و هر بخش چگونه در ارتباط با دو بخش دیگر قرار میگیرد؛ و با توجه به گفتار شکل کیهان در قرآن دانستیم که شکل ساختاری کیهان حلزونی است. اما موضوعی که در این گفتار به آن میپردازیم این است که این سه بخش در حلزون کیهانی چه جایگاهی را دارا هستند، و کل حلزون کیهانی با توجه به این سه بخش چگونه ساختاری را شکل میدهند، و ویژگیهای این ساختار چیست؟

مقدمه اول: تنها آیه‌ای که ساختار درونی سیستم کیهانی را تا اندازه ای مشخص می‌سازد، آیه آخر سوره طلاق است که می‌فرماید: **اللّٰهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَوٰتٍ وَّ مِنْ اَلْاَرْضِ مِثْلَهُنَّ يَتَنَزَّلُ اِلَيْهِمْ لِيَتَلَمَّوْا اِنَّ اللّٰهَ عَلِيٌّ قَدِيْرٌ وَّ اِنَّ اللّٰهَ قَدْ اِحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا**
ترجمه: خداوند کسی است که آفرید هفت آسمان را و از زمین نیز مانند آنها را. کار در میان آنها پایین می‌آید (مقرر میشود) تا بدانید همانا که خداوند بر هر چیزی توانا و همانا خداوند به درستی به هر چیزی احاطه علمی دارد.

با این آیه دیدگاه ما از ساختار کیهان دگرگونه می‌شود؛ و متوجه می‌شویم که هفت آسمان به همراه خود هفت زمین (بخش‌های پیدا) دارند؛ یعنی آسمان- زمین های هفتگانه ای وجود دارند. از سوی دیگر اگر بخواهیم مفاهیم بخشی از دعایی را که معمولاً در قنوت نماز خوانده میشود و از معصوم روایت شده، در این موضوع دخالت دهیم، این آیه مفهومتر میشود و تصور ما را از حلزون کیهانی کاملتر میکند:

رب السّمٰوٰتِ السَّبْعِ وَّ ربّ الارضين السَّبْعِ وَّ ما فيهنّ وَّ ما بينهنّ وَّ ربّ العرش العظيم

ترجمه: پروردگار آسمانهای هفتگانه و پروردگار زمینهای هفتگانه و آنچه در آنهاست و آنچه میان آنهاست و پروردگار عرش با عظمت.

در تشریح تصویری که این عبارتها بویژه عبارت **و ما بینهن و ما بینهن** به ذهن ما متبادر می‌سازند، باید گفت بخشهایی از کیهان که چپستی و چگونگی آنها برای انسان امروزی هنوز پوشیده است، آسمان- زمین های هفتگانه را کاملاً از یکدیگر مجزاً می‌سازند. به منظور سادگی فهم و نگارش، از این پس، هر یک از آسمان- زمین ها را **کیهانک (مینی یونیورس)** مینامیم.

مقدمه دوم: از آنجا که از آغاز آفرینش، جای و گاه یا مکان و زمان با هم ایجاد شده و کیهان پویا را شکل داده اند؛ پس سخن گفتن پیرامون کیهان همواره باید همراه با جایگاه (فضا - زمان) یا سپیس تایم باشد. به عبارتی ساده تر نمیتوان از جایی از کیهان سخن گفت بی آنکه زمانی را برای آن در نظر نگیریم. یعنی این دو از یکدیگر جدایی ناپذیرند و سخن گفتن از یکی از آنها بیهودگی است، و ره به جایی نخواهیم برد. و نیز میدانیم که:

- حلزون کیهانی هفت لایه دارد.
- این لایه ها با پوسته ای سخت، روی یکدیگر قرار گرفته اند.
- آیه 12 سوره فصلت آیه محکمه ای است که ذهن ما را در این زمینه به نکته ای مهم و دقیق میکشاند؛ و آن اینکه هر چند چگونگی حد فاصل لایه ها بر ما پوشیده است، ولی هر یک از این لایه ها کارکردهای جداگانه ای دارند و باید این نکته را در نظر بگیریم تا شناختمان از ساختار کیهان کامل شود. آیه چنین است:

فقضیهن سبع سموات فی یومین و اوحی فی کل سماء امرها و زینا السماء الدنیا بمصابیح

ترجمه: پس تمام کرد هفت آسمان را در دو مرحله؛ و کارکرد هر آسمان را در آن نهادینه کرد و آسمان دنیا را با ستارگان زینت بخشید.

نتیجه آنکه:

حلزون کیهانی سیستم کاملی است که هفت لایه یا سیستم کوچکتر و یا سابسیستم (کیهانک) دارد؛ که این سابسیستمها با توجه به مقدمه اول، نه تنها از نظر موجودیت کاملاً از یکدیگر جدا هستند، بلکه از نظر کارکرد نیز از یکدیگر جدا بوده و خداوند کریم کارکردها و وظایف هر کیهانک را نیز در آن تعبیه و نهادینه کرده، تا از کیهانکهای پیش یا پس از خود بینیاز باشد، و کارهای درون سیستمی خود را، خود مستقلاً انجام دهد.

برای داشتن تصویر و تصویری شبیه به واقعیت در ذهن خود، لاک سه بعدی یک حلزون طبیعی را در نظر آورید که دارای هفت لایه باشد (البته در جهان ما چه در طبیعت و چه در صنعت، هیچگاه حلزونی به وجود نیامده که هفت لایه داشته باشد). این لاک سه بعدی، مانند یک آب نما (اکواریوم)، باید به گونه ای شفاف باشد تا بتوانیم هر چه را که در درون آن است، آشکارا ببینیم. در این صورت در هر یک از لایه های آن، لگه های روشنی (کهکشانی) را می بینیم که بخش بسیار کوچکی از هر لایه را تشکیل می دهند، (روی هم رفته، چهار درصد حلزون کیهانی) و دیگر بخش های هر لایه که عمده حجم هر لایه را شکل می دهند، (روی هم رفته، 96 درصد حلزون کیهانی) سیاه و نادیدنی هستند. به قول نویسنده ای جرم درخشانده اعضای این خوشه های کهکشانی در اقیانوسی از ماده تاریک غوطه ورنند.



لایه هفتم که معمولاً از همه لایه‌ها گسترده‌تر و مسطح‌تر است، جهان دیدنی ما را شکل می‌دهد. هر چه لایه‌های حلزون کیهانی پایین‌تر، یعنی به مرکز حلزون کیهانی نزدیکتر باشند، دارای حجمی کمتر، ولی پیچش، گرانش و چگالی بیشتری هستند؛ در نتیجه زمان کندتر می‌شود؛ تا به مرکز یا هسته برسد. در مرکز حلزون کیهانی چگالی بینهایت است؛ در نتیجه حرکتی وجود ندارد و زمان صفر است.

بدین ترتیب متوجه می‌شویم که هر لایه از حلزون کیهانی یک سابسیستم یا کیهانک است که ابعادی از کیهان را با جایگاه یا سپیس تایم ویژه، در خود جای داده است.

پس آنچنانکه از زمان اینشتاین تاکنون تصور می‌شد، چنین نیست که جایگاه یا سپیس تایم یگانه‌ای بر سیستم کیهانی حاکم باشد؛ بلکه هفت سپیس تایم وجود دارد؛ و کیهان در بخشهای مختلف خود، دارای ابعاد گوناگونی است. در این نظریه، عبارت **بعد چهارم زمان است** جایگاهی ندارد؛ بلکه زمان در همه هفت کیهانک وجود دارد؛ ولی با کندی یا سرعتی متفاوت.

آیا ممکن است دیگر کیهانکها مسکونی باشند؟

جدا از دیگر نوشته‌ها و پژوهشها، در پژوهش جن موجود که از نو باید شناخت، و نیز در جهانهای موازی در قرآن، پیرامون فهم درست آیه رب المشرقین و رب المغربین، شرح نسبتاً فراگیری آمده است که نشان می‌دهد در دیگر کرات، موجوداتی ناطق و مسئول وجود دارند. ولی به تازگی متوجه نکته‌ای ظریف و مهم در برخی آیات سوره طه شده‌ام. این سه آیه به ما می‌گویند که نه تنها در دیگر کرات و سیاره‌ها، بلکه در دیگر کیهانکها نیز موجوداتی زندگی میکنند که در روز بازپسین مسئول اعمال خویشند و زمان کیهانکی که در آن زندگی می‌کرده‌اند با زمان کیهانکهای دیگری که در آنها نیز موجودات ناطق و مسئول زندگی می‌کرده‌اند متفاوت است:

یوم ینفخ فی الصور و نحشر المجرمین یومئذ زرقاً (102) یتخافتون بینهم ان لبثتم الا عشرأ (103) نحن اعلم بما یقولون اذ یقول امثلهم طریقة ان لبثتم الا یوماً (104) - طه

روزی که در صور دمیده شود، (فراموش نکنیم که دمیده شدن در صور برای همه هفت لایه کیهان است و نه بخشی از آن.) و برمیانگیزانیم مجرمین را در چنین روزی که حاج و واج شده اند! میان خود، زیر لب میگویند بیش از ده روزی را نگذرانندیم. ما آگاهتریم به گفتار آنان؛ در حالی که آنهایی که در طریقه (لایه) برتر یا بالاتری از طریقه اینان قرار داشته اند، میگویند ما نگذرانندیم مگر روزی را.

با توجه به آیه ای که میگوید **ولقد خلقنا فوقکم سبع طرائق** (مؤمنون: 17)، منظور از **امثالهم طریقه** این است که در طریقه یا کیهانک برتری در حلزون کیهانی قرار دارند، و از مرکز حلزون دورترند.

بدین ترتیب مشخص میشود که هم اکنون موجوداتی ناطق و مسؤل، در کیهانکهایی زندگی میکنند که زمانشان نسبت به زمان کیهانک پیش از خود، ده برابر تندتر و نسبت به زمان کیهانک پس از خود، ده برابر کندتر است!!

بدین ترتیب، اگر کیهانک هفتم را X فرض کنیم، میتوانیم پیرامون کندی و تندی زمان در هفت لایه حلزون کیهانی و سپیس- تایم (جایگاه) آنها، این نتایج را بگیریم:

کیهانک ششم = X ضرب در 10

کیهانک پنجم = X ضرب در 100

کیهانک چهارم = X ضرب در 1000

کیهانک سوم = X ضرب در 10000

کیهانک دوم = X ضرب در 100000

کیهانک اول = X ضرب در 1000000

پس نتیجه میگیریم که زمان در اولین لایه کیهان، یک میلیون بار کندتر از کیهانک ماست.

این آیات نیز نشانده آن است که تفاوتهای زمانی نسبتاً کم مربوط به سیاره های متفاوت در منظومه خورشیدی باشد:

خداوند در سوره مؤمنون آیات 112 و 113 نیز پرسش و پاسخی را مطرح میفرماید:
کم لبثتم فی الارض عدد سنین؟ قالوا لبثنا یوماً او بعض یوم (چند سال را در زمین گذراندید؟ میگویند: گذرانندیم به اندازه روزی یا بخشی از یک روز را).

و یوم یحشرهم کان لم یلبثوا الا ساعة من النهار یتعارفون بینهم (یونس: 45)
و روزی که برمانگیزیم آنان را، گویی درنگ (زندگی) نکرده اند مگر ساعتی از روز را که در میان خود شناخته شده بود.

کیهانکها و ابعاد آنها:

با توجه به اینکه ما در کیهانکی سه بعدی زندگی میکنیم، پس میتوانیم کیهانکهای هفتگانه و ابعادی را که دارند، بدین گونه طبقه بندی کنیم:

آسمان (کیهانک) هفتم که نزدیکترین کیهانک به هسته حلزون کیهانی است، دارای نه بعد است. ناظری که در آن قرار داشته باشد، تنها یک مرحله از خداوند پایینتر است و میتواند نظاره گر ناظران یا چیزهایی باشد که در لایه ها یا کیهانکهای پایینتر قرار گرفته اند؛ ولی ناظران کیهانکهای پایینتر نمیتوانند او را ببینند. این کیهانک دارای بیشترین پیچش، جرم و چگالی نسبت به کیهانکهای بعدی است؛ ولی دارای پیچش، جرم و چگالی کمتری نسبت به هسته حلزون کیهانی است.

کیهانک ششم دارای هشت بعد است؛ و کسی که در این کیهانک واقع شده باشد، میتواند نظاره گر کسانی و چیزهایی باشد که در کیهانکهای پایینتر قرار دارند. و به همین ترتیب:

کیهانک پنجم دارای هفت بعد، کیهانک چهارم دارای شش بعد، کیهانک سوم دارای پنج بعد، کیهانک دوم دارای چهار بعد؛ و کیهانک آخر که جهان ما یا به قول قرآن **سماءالدنیا** باشد دارای سه بعد، یا سه بعدی است. **جَلَّ الخالق!!**

بدین ترتیب، سیستم قرآنی کیهان، نه تنها نسبت خاص اینشتین را تأیید میکند بلکه آن را اصلاح کرده، و کاملتر و واقعی تر به جهانیان عرضه میدارد.

پوسته حلزون کیهانی، همه آفرینش را در خود جای داده است. هراندازه که این حلزون گسترش یابد، جایگاه یا فضا - زمان در تمام سیستم به نسبت، گسترش می یابد.

بحثی مهم و خواندنی پیرامون ویژگیهای آسمان هفتم

برای آسمان هفتم ویژگیهایی از سوی رسول اکرم(ص) در سفر فضائی (معراج) ایشان در روایات نقل و بر شمرده شده که شایسته است در این گفتار به آنها اشاره شود:

یک- جبرئیل که تا آسمان ششم همراه رسول اکرم بوده در این مرحله از همراهی باز میماند. این جهان که نور در نور است در مرحله ای چنان والا قرار دارد که حتا جبرئیل که مایه اولیه اش نور است نمیتواند به آن راه یابد.

دو- برای رسیدن به لقاءالله حتا رسول اکرم نیز نمیتواند از آسمان هفتم بالاتر رود. در نتیجه خداوند که در افق اعلی (و هو بالافق اعلی) است برای اولین و آخرین بار نزول اجلال

میکند: **ثم دنا فتدلی فکان قاب قوسین او ادنی** (نجم: 7-8-9) یعنی آنقدر به یکدیگر نزدیک شدند، همچون دو کمانه که به یکدیگر پشت کرده باشند. در این صورت کمانه ها تنها یک نقطه با هم فاصله دارند.

سه- پیامبر اکرم در آسمان هفتم به درختی سمبلیک میرسد که نامش **سدرۃ المنتی** است. این درخت در احادیث و روایات ویژگیهایی دارد که به شناخت ما از آسمان هفتم یاری میرساند:

- از نامش مشخص میشود که در انتهای کیهان قرار داشته که **درخت سدر نهایی** نامیده شده است. و آن را بسیار بزرگ و عظیم وصف کرده اند.
- درخت سدر چنانکه از دیگر آیات قرآن نیز بر میآید، درختی برای ثمر دهی نیست و تنها زیبایی و سایه دارد. و از آنجا که برگهایش از نظر لطافت و پهنا به گوش فیل تشبیه شده، یقیناً درختی واقعی نبوده بلکه سمبلیک است.
- این درخت را نورهایی شگفت انگیز که تنها یک مرحله با نور بیواسطه خداوند فاصله دارند، میپوشانند که وصف کردنی نیست و در قرآن هم تنها اشاره ای به آن شده است.
- در وصف کارکرد این درخت روایتهای بسیاری نقل شده (دستکم ده روایت) که همه آنها در اینکه چه چیزهایی به آن **منتهی** میشود اختلاف دارند ولی وجه اشتراکشان این است که همه چیز به آن **منتهی** میشود و بهترین این روایتها از **ابن مسعود** است:

و الیها ینتهی ما یرج من الارض فیقیض منها و الیها ینتهی ما یهبط به من السماء و در نقلی دیگر از وی: ینتهی الیها کل ما یهبط من فوقها و یصعد من تحتها. (هرآنچه از بالایش بر آن فرود آید و هرآنچه از پائینش به سوی آن صعود کند، به آن منتهی میشود.)

و از آنجا که این درخت ریشه اش در آسمان ششم بوده و نمودش در آسمان هفتم است، به این نتیجه میرسیم که آسمان هفتم طبیعتی همچون دیگر آسمانها ندارد؛ و این درخت سمبلیک رابطی است میان آسمانهای پایینتر با آسمان هفتم. ولی **رابطی ویژه و عظیم** که همچون یک درخت واقعی عظیم عمل میکند؛ و کارکردش **سیرکولیشنی برای تبدیل و تبادل مواد و انرژیهاست**. یعنی همان گونه که تمام درختها اکسید کربن میگیرند و اکسیژن پس میدهند و مواد خام را میگیرند و میوه به بار میآورند، این درخت سمبلیک نیز واسط میان آسمانهای پایینتر با آسمان هفتم است؛ و رابطی است برای بده بستن میان آنها؛ و از آنجا که با **عرش الهی که منبع تغذیه کیهان است** فاصله چندانی ندارد، میتوان از آن به عنوان **سوپاپ اطمینان کیهان** یادکرد که چون آسمانهای پایینتر نمیتوانند انرژی عرش عظیم را از شدت چگالی و سنگینی بسیار، بیواسطه دریافت کنند، این درخت نمادین پس از تلطیف و تعدیل انرژیهای دریافتی آنها را برای کاربری در آسمانهای پایینتر آماده میسازد.

اینکه در روایات آمده از زیر این درخت چهار جریان جاری است (دو جریان آشکار و دو جریان پنهان)؛ و اینکه در آسمان ششم رسول اکرم جبرئیل را بر صورت و مایه اولیه ای دید که از آن ساخته شده بود، و میدانیم که فرشتگان اجسامی نوری هستند و جهانشان جهان نورونیروست، به این نتیجه میرسیم که این چهار جریان همان چهار نیرویی هستند که فرشتگان از آن به وجود آمده‌اند (طبق آیه اولی اجنحة مثنی و ثلاث و رباع)؛ و دانش فیزیک نو به این چهار نیرو دست یافته است.

پس مشخص میشود که از جمله زیرساختهای آفرینش کیهان، این چهار نیرو هستند و با آن‌ها بوده که آفرینش آغاز شده؛ که دو نیروی پنهان عبارتند از گرانش و الکترومگنتیک و دو نیروی آشکار عبارتند از برهمکنش ضعیف و برهمکنش قوی. **جَلَّ الخالق!!!!**

الحمد لله الذی هدینا لهذا و ما كنا لنهتدی لولا ان هدینا الله

نگارش ویرایش: اسفندماه نودوچهار
ویرایش دوم: دیماه نودوشش
ویرایش سوم: مهر نودوهشت
احمد شَمَاع زاده